

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی نیرودی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۹۵ - دوشنبه ۹۲/۲/۲۳

نقد و بررسی وجه اول تدلیل

اینکه بیان شد در طهارت و نجاست فی الجمله نظر و فهم عرفی ملاک است، قابل پذیرش است، اما تنها فی الجمله نه با عرض عریضی که ذکر شد. اینکه در انفعال، رطوبت شرط است نصّ روایت است؛ قریب به این مضمون که اگر اثر نجس در ملاقی ظاهر شد نجس می‌شود و إلا این گونه نیست: «إِلَّا أَنْ تَرَىٰ أَثْرًا»^۱ بنابراین مؤثریت یک نجس در تنجیس ملاقی که مشروط به رطوبت است از نصّ استفاده می‌شود. یا اینکه در تطهیر غَسَل لازم است و نضح کافی نیست، مقتضای روایاتی است که امر به غَسَل کرده‌اند^۲ و چنین نیست که از عرف اخذ شده باشد، و حتی انفعال تمام مایع با ملاقات نجس از روایات قابل استفاده است^۳، بلکه عدم انفعال آبی که از فوق به سافل نجس برخورد می‌کند نیز از روایات قابل استفاده است.

بنابراین نمی‌توان گفت چون کثیری از مسائل طهارت و نجاست موکول به عرف است پس کیفیت اجتناب از نجس نیز موکول به فهم عرف است.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْعُمَرَكِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الدُّودِ يَقَعُ مِنَ الْكَنْيْفِ عَلَى الثُّوبِ أَوْ يُصَلِّي فِيهِ قَالَ لَا بَأْسَ إِلَّا أَنْ تَرَىٰ أَثْرًا فَتَغْسِلَهُ. (وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۵۲۶، ح ۴۳۶۵)

۲. همان، ابواب النجاسات، باب ۱: نَجَاسَةُ الْبَوْلِ وَوُجُوبُ غَسَلِهِ مِنْ غَيْرِ الرُّضِيعِ مَرَّتَيْنِ عَنِ الثُّوبِ وَ الْبَدَنِ، ص ۳۹۵.

۳. همان، ج ۱، ابواب الماء المضاف، باب ۵: نَجَاسَةُ الْمُضَافِ بِمِلَاقَاةِ النَّجَاسَةِ وَإِنْ كَانَ كَثِيرًا وَ كَذَا الْمَائِعَاتِ، ص ۲۰۵.

وجه دوم در مدلل ساختن نظر سوم

از امر شارع به اجتناب، در هر موردی عرف چیزی را می‌فهمد؛ مثلاً اگر مولا بگوید: «إِجْتَنِبْ عَنِ السَّمِّ وَ الْأَسَدِ وَ الْقَذْرِ» اجتناب از هر یک با دیگری متفاوت است؛ اجتناب از سمّ با نخوردن محقق می‌شود ولی به این معنا نیست که نمی‌توان نگاه به آن کرد یا آن را خریداری کرد، اما در اجتناب از اسد این معنا فهمیده می‌شود که حتی نزدیک اسد نشوید و اجتناب از قذر به این معناست که خود را آلوده به آن نکنید و حتی از ملاقی آن نیز بپرهیزید.

شارع نیز وقتی می‌گوید «إِجْتَنِبْ عَنِ النِّجَسِ» نحوه‌ی اجتناب را به عرف موکول کرده است؛ یعنی هم باید از خود نجس اجتناب شود و هم از ملاقی نجس، بنابراین اجتناب ملاقی از شئون اجتناب از ملاقی می‌باشد.

نقد و بررسی وجه دوم

این وجه نیز دارای اشکال می‌باشد. ظاهراً عبارتی با لفظ «إِجْتَنِبْ» در باب نجاسات وجود ندارد، مگر در دو مورد که در یک جا خصوص ماده‌ی اجتناب به کار رفته و در جای دیگر معنای اجتناب با لفظ دیگر ذکر شده است.

مورد اول، آیه‌ی شریفه‌ی ﴿إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ﴾^۱ است که اجتناب در اینجا از حیث نجاست نمی‌باشد و فهم عرفی در آن بیش از حرمت شرب نمی‌یابد. لذا در بحث نجاست خمر، دلیل بر نجاست خمر را آیه‌ی شریفه ندانستیم؛ نه از حیث «إِجْتَنِبُوهُ» و نه از حیث لفظ «رجس»، بلکه دلیل بر نجاست خمر را روایات دانستیم.^۲

مورد دوم، آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَ الرَّجَزَ فَاهْجُرْ﴾^۳ می‌باشد که بعضی معتقدند مقصود از «رُجَز» نجاست است و «هجران» همان معنای اجتناب را می‌رساند، ولیکن نمی‌توان «رُجَز» را به معنای نجاست شرعی دانست، بلکه به معنای عذاب است؛ یعنی از اسباب عذاب دوری کنید، و نهایت آن است که بر نجاسات معنویه دلالت دارد. بنابراین اساساً چنین لفظی وجود ندارد تا وجه دوم تمام باشد.

به علاوه وجوهی برای ردّ مدّعی مذکور، در احتمال سوم ارائه شده است که در ادامه می‌آید إن شاء الله.

۱. المائدة / ۹۰.

۲. وسائل الشیعة، ج ۳، باب ۳۸: نَجَاسَةُ الْخَمْرِ وَ النَّبِيذِ وَ الْفُقَاعِ وَ كُلِّ مُسْكِرٍ، ص ۴۶۸.

۳. المدثر / ۵.

اشکالاتی بر احتمال سوم، از محقق اصفهانی رحمته الله

اشکال اوّل

اگر نجاستی معلوم بالتفصیل باشد و چیزی با این نجس معلوم ملاقات کند سپس ملاقی^۱ نابود و مفقود گردد، آیا باید از ملاقی اجتناب کرد؟ شکی نیست که اجتناب از ملاقی واجب است هر چند ملاقی نابود شده باشد. از این مطلب کشف می‌شود که اجتناب از ملاقی از شئون و تبعات اجتناب از ملاقی نیست و إلا اگر این گونه بود تابع لزوم اجتناب از ملاقی می‌بود در حدوث و در بقا، در حالی که می‌بینیم بقاء این گونه نیست.

پاسخی به اشکال اوّل

محقق اصفهانی رحمته الله خود در پاسخ به اشکال اوّل فرموده‌اند: می‌توان دو حیث فرض کرد؛ یکی اینکه ملاقی از شئون ملاقی^۱ است و دیگر اینکه بگوییم خود ملاقی نجس می‌شود و با نابود شدن ملاقی^۱، ولو اجتناب از ملاقی از حیث اوّل وجوبی ندارد اما از این حیث که خودش نجس شده است دارای وجوب اجتناب است، لامحاله باشد گفت ملاقی، دو وجوب اجتناب دارد^۱.

نقد و بررسی پاسخ محقق اصفهانی رحمته الله

به نظر می‌رسد این پاسخ تمام نیست؛ زیرا کسی که معتقد است ملاقی نجس، نجس می‌شود، معتقد نیست که دو حیثیت اجتناب در آن وجود دارد و نجاست آن اقوی از نجاست ملاقی^۱ است، بلکه آنچه از ادله‌ای مثل «يَغْسِلُ كُلَّ مَا أَصَابَهُ ذَلِكَ الْمَاءُ» استفاده می‌شود آن است که ملاقی نجس می‌شود و نهایتاً مانند خود ملاقی^۱ می‌گردد و با ملاقی معامله‌ی نجس می‌شود. و لذا فرضی که محقق اصفهانی رحمته الله ذکر کردند با واقعیات استظهاری و فتوایی سازگاری ندارد.

اشکال دوم محقق اصفهانی رحمته الله

محقق اصفهانی رحمته الله در اشکال دوم خود ذکر می‌کند هنگامی که شیئی با نجس ملاقات می‌کند، اگر مکلفی از ملاقی اجتناب کرد ولی از ملاقی اجتناب نکرد بدون هیچ تجویزی صحیح است گفته شود: «هذا المكلف اجتنب عن نجسٍ و لم يجتنب عن نجسٍ آخر» و صادق نیست که گفته شود: «إنه لم يجتنب عن النجس اصلاً»، در حالی که اگر اجتناب از ملاقی از شئون اجتناب از ملاقی^۱ بود لامحاله ولو مکلف از خود

۱. محقق اصفهانی، محمد حسین، نهاية الدراية، ج ۲، ص ۲۵۸.

ملاقای اجتناب می‌کرد، ولی چون از ملاقای اجتناب نکرده است نمی‌توانیم بگوییم: «إجتنب عن النجس». بنابراین همین که صحیح است گفته شود «إجتنبَ عن نجسٍ» ولو اینکه از ملاقای اجتناب نشده است، آیت آن است که هر کدام نجاست مستقلی از دیگری دارد و از شئون ملاقای نمی‌باشد.^۱

مقرر: سید حامد طاهری

۱. همان.